

سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین دکتر معصومی

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و مدرس حوزه علمیه قم

(اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و صلی الله علی محمدآ و آل طیبین الطاهرین)

از خداوند منان شاکریم که فرصت های خوبی را در زندگی ما فراهم آورده است و همچنین یکی از این فرصت های مغتنم برگزاری این چنین جلسات عالمانه برای فرهیختگان جامعه، اندیشمندان، دانشجویان عزیز، اساتید گرام و حضار فرهیخته حاضر. ضمن تشکر و قدردانی که واسطه این خیر و فیض شده اند.

موضوع بحث: امر به معروف و نهی از منکر

علی رغم همه مباحث دامنه داری که در طول تحقیقاتی بعد از جعل این واجب الهی صورت گرفته است، همچنان زوایای ناگفته و ناپیموده زیادی دارد. توجه به روایات و نگاه شریعت مقدس به امر به معروف و نهی از منکر با آنچه که معمولاً در اذهان نخبگان و حتی مردم عامی از امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد فاصله قابل توجهی دارد به تعبیر علامه مطهری (ره) می فرماید:

آنچه را که ما از امر به معروف و نهی از منکر می دانیم، با آنچه که در اسلام به امر به معروف و نهی از منکر تعبیر شده فاصله بسیار زیادی دارد. تلقی عمومی مردم ما، و انسان ها بر امر به معروف و نهی از منکر و اهمیت آن در تفکر دینی و بلکه در عرصه های اجتماعی، عمدتاً به دخالت یا به تعبیری عرصه های شخصی افراد بر می گردد.

امر به معروف یعنی: تذکر دادن به افراد برای حفظ رفتارهای خودشان در عرصه های فردی. از همین جهت است که برادر عزیز جناب آقای راعی در سخنرانی قبل به بخشی از آن اشاره و تذکر دادند. اگرچه نظر این بزرگوار قطعاً این نبود که، حریم خصوصی اجازه حضور آمران بر معروف ناهیان از منکر را ندارد، و ایشان فرضشان این نبود که با کشیدن یک دایره در رفتارها و حریم خصوصی عرصه را بر حضور نصیحت گونه آمران بر معروف و ناهیان از منکر در حریم خصوصی افراد کوتاه کند، این که در شریعت مقدس ما حتی اگر افراد در خصوصی ترین رفتارهای شخصی خودشان، گرفتار اشتباه نه به معنای اشتباه که گناهی می شوند، مثلاً نمازی را قضا می کنند. مثلاً گناهی را مرتکب می شوند، اگر آمر به معروف و ناهی از منکر از آنها مطلع شود حق دارد بلکه تکلیف دارد ولو حریم خصوصی اوست، او را با رعایت مراتب امر به معروف و نهی از منکر به راه راست هدایت کند. و اساساً امر به معروف و نهی از منکر در نوردیدن هر حریم خصوصی است که بتوان در آن حریم خصوصی خدا را معصیت کرد. هر حریم که در آن خدا معصیت بشود، امر به معروف آنجا حضور دارد. و البته تلقی که فرمودند، تلقی درستی است. بنابر این عمده تلقی ما نسبت به امر به معروف و نهی از منکر است. این که من به دیگری بگویم: نمازت را بخوان. گناه نکن. فلان عرصه غیر شرعی را طی نکن، البته این درست است که امر به

معروف شامل آنهاست. اما امر به معروف و نهی از منکر به تعبیر دیگر با توجه به آنچه در روایات ما آمده کاری خیلی فراتر از اینهاست.

کلام امیر مؤمنان علی (ع) فرمود: « ما اعمال التبر کلها »

چه خصوصی، چه عمومی، چه فردی، چه اجتماعی، کُلها. تأکید می کنند هر چیزی که خیر است، فرق نمی کند کجا، حتی جهاد فی سبیل الله. شما گمان نکنید آن واجب بزرگ که جهاد فی سبیل الله باشد، از این بحث خارج است.

«مااعمال التبر عندالامر بالمعروف والنهی عن المنکر الا کفئته فی بحر لُجی»

مثل یک قطره آب در مقابل دریای بی کران است. آیا نگاه ما به امر به معروف نسبت به همه خوبی ها اعم از مستحب و واجب و همه خیرات عالمی این مقدر است؟ یعنی این تلقی را نسبت به امر به معروف داریم؟ امر به معروف استراتژی اجتماعی است، قبل از آنکه راهبرد فردی باشد. در نظام اسلامی و نظام بشری آنگاه که اسلام پیاده می شود، جادارد که همه عرصه ها که عمدتاً عرصه های عمومی و اجتماعی است، تحت ولایت الهی توسط امر به معروف و نهی از منکر صورت بگیرد. چه از عرصه های داخلی به عنوان یک نظام، چه از عرصه های بین الملل به عنوان یک نظامی که می خواهد با جهان تعامل داشته باشد. امر به معروف یک نوع حق و بلکه یک تکلیف، مسئولیت پذیری اجتماعی، در اسلام است. که همه بر آن مکلف هستند. هیچ کس نمی تواند بگوید این مشکل توست. هیچ کس حق ندارد، خودش را نسبت به دیگران و دیگران نسبت به جامعه و خودش را منحصر و ایزوله بکند، هیچ کس. در تفکر دینی همه مسئولند، یعنی چه؟ یعنی این که باید دیگران را به خیر فرا خواند و از مفاسد دور کرد. امر به معروف اگرچه در کلمات و بیانات فقهای نظام ما دارای شرایطی گفته شده است، من این شرایط را باز می کنم تا به فهم بیشتر امر به معروف و نهی از منکر این دو فریضه مهم الهی کمک کند.

توجه می شود امر به معروف و نهی از منکر یک حق و یک تکلیف نسبت به دیگری یا دیگران است. که انسان بر اساس آن واجب است، دیگران را امر و نهی کند. با شرایطی که دارد و دیگران هم موظفند شرعاً آن را اطاعت کنند. این چیزی جز همان ولایت فردی بر فرد دیگر نیست.

« كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ »

ملاحظه می کنید این جا امر به معروف و نهی از منکر با لفظ ولایت هم قرین گشته است، البته آیات و روایات در این زمینه فراوان است. اولین شرطی که فرمودند:

امر به معروف و نهی از منکر مستلزم این است که انسان آگاهی به معروف داشته باشد. معروف یعنی فعل خوب. کسانی که به صد معروف و منکر آگاهی داشته باشند، وظیفه پیدا می کنند که نسبت به صد عرصه امر به معروف و نهی از منکر بکنند. بر این اساس جامعه بر اساس آگاهی از کار خیر طبقه بندی می شود در یک هرم ولایی.

شرط دوم: کجا امر به معروف واجب می شود؟ آنگاه که انسان دیگری بیابد و بفهمد که او تخلفی کرده است. آگاهی از مخاطب از حیث تخلف اگر بفهمیم دیگری تخلف شرعی کرد، آن وقت بر ما واجب می شود که او را امر کنیم. طبیعی است این شرط متأخر از آن شرط است. چون اگر من معروف را شناختم تخلف از آن را متوجه

خواهم شد و این کافی نیست. باید جامعه را بشناسم. اگر معروف‌ها فردی هستند و اجتماعی، منکرات هم فردی و اجتماعی هستند، شناخت تخلف هم در مخاطب ممکن است فرد باشد، ممکن است جامعه. بنابراین گاهی اوقات ممکن است ما نتوانیم یقه فردی را بگیریم، جامعه فضایش منکر است. فضا و جو حاکم معروف است. همه ماها زیاد دیدیم جاهایی که کمک می‌کند ماها را در دین داری یا آسیب می‌زند به دین داری ما، فضاهای اجتماعی جامعه مان، سیاستهای غلط، برنامه‌ها، برنامه‌های غلط، ساختار نظام‌ها که عاملی برای گسترش مفاسد است. مخاطب ما خواهد بود. هر گاه تخلف، تخلف فقط این نیست که فردی در حریم خصوصی خودش کاری بکند. آن مسئول، وزیر، رئیس، اگر ساختاری درست کند که آن ساختار عامل گسترش مفاسد باشد، باید نهی از منکر کرد. اگر سیاست‌گذاری بشود. اگر برنامه ریزی بشود. اگر فضای اجتماعی چنین بشود.

دوم: شناخت مخاطب از حیث تخلف.

روشن است که میزان شناخت مخاطب و جامعه‌شناسی افراد در حیطه اقتدار امر دخالت می‌کند. فرض کنید فردی همه معروف و منکرات را می‌شناسد، اما جامعه خود را نشناسد. و برخی از افراد را بشناسد از حیث رفتار. طبیعتاً حیطه ولایت او فقط همان افراد خواهد شد. اطلاع ندارد در رابطه با جایی دیگر. عالمانی که جامعه شناس نیستند، عالمانی که افراد دیگر را نمی‌شناسند و با دیگران ارتباط روشنی ندارند و از رفتار آنها آگاهی ندارند ولایتشان وحق آمریشان پایین است. در این هرم ولایی جامعه، هم آگاهی به معروف و منکر و هم شناخت جامعه همچنان دخالت خواهد کرد.

شرط سوم: امر به معروف مراحل و شیوه‌های مختلفی دارد. اگر چه آن را به سه شیوه تقسیم کرده‌اند. اگرچه گفته‌اند: که مرحله لسان، قلب و فعل. اما این به این معنا نیست که سه روش برای امر به معروف وجود دارد. معنای این حرف این است: گاه انسان با رفتارهایی اصلاح می‌کند. که امام (ره) فرمودند: «بهترین و مؤثرترین و شریفترین امر به معروف و نهی از منکر، عمل به معروف و ترک منکر است.»

مرحله سوم: هم که مرحله بعد است. و انسان در جان و مال دیگران که این بدون اذن حاکم و حکم مجتهد عالم امکانش نیست، و این امری است که همه اجتماع واردند. بنابراین اگر کسی حتی جامعه را بشناسد اما شیوه برخورد با جامعه و افراد را نشناسد. این آدم باز هم ولایتش تقلیل پیدا می‌کند. کسانی که در نظام دینی امر به معروف و نهی از منکر را برای خودشان تکلیف می‌دانند، بر این اساس احراز شرایط اقتدار و ولایت و حق عاملیت بر دیگران پیدا می‌کند. آنهایی هستند که یک: معروف و منکر را می‌شناسند. دو: مخاطبین و جامعه‌شان را می‌شناسند. یا به مقداری که می‌شناسند. سه: شیوه‌ها را هم بلدند.

شرط چهارم: شناخت شیوه کافی نیست. شناخت نقاط ضعف و قوت هم لازم است. شناخت نقاط ضعف و قوت مخاطب هم لازم است. در عرصه خصوصی شما نسبت به چه فردی باید با نرمی سخن بگویید؟ نسبت به چه فردی باید با تندی سخن بگویید؟ نسبت به چه فردی باید اساساً سخن نگویید، عمل کنید؟ نسبت به چه فردی باید با دادن هدیه درستش کنید؟ این به روحیات و نقاط ضعف و قوت شخص بر می‌گردد. اگر انسان مخاطب را این بار از بعد قوت و ضعف نشناسد، روش درستی اتخاذ نمی‌کند. بسیاری از سوال‌های ما این است که چه جوری دیگری را درست کنم؟ همه دانشجویان متعهد ما این سوال را می‌کنند: که چگونه دوستم که نماز نمی‌خواند را اصلاح کنم؟ چه جوری خواهری را که حجابش درست نیست را من درست کنم؟ این چه جوری؟ سوال

از شیوه است. کسانی که در عرصه می آیند باید این شیوه ها را بلد باشند. هر که بیشتر بلد است حیطه اقتدار آن بالاتر است. امام در (منشور روحانیت) فرمودند:

امروز جامعه ما و مجتهدین ما نمی پذیرند که بگویند در مسائل اجتماعی دخالتی نمی کنیم. یک مجتهد نه یک رهبر، امام می فرماید: باید علاوه بر دانستن معروف و منکر، باید سیاست های سیاست مداران را بشناسد. نحوه مقابله با آن را بشناسد. حتی سیاسیون را باید بشناسد. قدرت مدیریت اجتماعی هم داشته باشد. نه فقط این، حضرت امام (ره) می فرمایند: حتی یک مجتهد باید علاوه بر مدیریت یک جامعه اسلامی بتواند یک جامعه غیر دینی را هم مدیریت کند، براساس معروف و منکر. عرصه نگاه به امر به معروف و نهی از منکر دارد آرام آرام به یک استراتژی راهبردی و یک راهبرد تبدیل می شود.

شرط پنجم: امر به معروف و نهی از منکر در جایی که اثر ندارد لازم نیست. این به معنای پذیرش و نقش مردم در پذیرش امر به معروف و نهی از منکر است. که در عرصه های اجتماعی به معنای مقبولیت، در عرصه فلسفی، سیاست هم مطرح می شود. جامعه ای که در آن مردم معروف را نمی پذیرند و از آمران به معروف اطاعت نمی کنند و ناهیان از منکر کلامشان بر سنگ بخورد، آن جامعه علیل و خانه نشین خواهد بود. اگر معصوم هم بر آنها حکومت کند خانه نشین خواهد بود. لذا حضرت فرمود:

« لا امر لمن لا یطاع »

کسی که اطاعت نشود امری ندارد.

فرقی ندارد با امر به معروف و نهی از منکری که نمی شنوند. نقش امر به معروف و نهی از منکر در عرصه فردی پذیرش فرد، و در عرصه اجتماعی پذیرش اجتماعی یا مقبولیت اجتماعی است.

شرط ششم: تدبیر

اگر یک آمر به معروف بداند چنانچه الان امر به معروف و نهی از منکر کند در او اثر ندارد، اما همین امر او سالها بعد در او اثر می گذارد، باید امر به معروف و نهی از منکر کند. در مسائل فردی پدر گاه به فرزندش نکته را می گوید: تو الان نمی فهمی این را، ولی یادت خواهد ماند وقتی نیازش داشتی، از آن استفاده خواهی کرد. مادر هم همچنین کاری می کند. در مسائل فردی کسانی که نمی توانند پشت اوامر و نواهی خود را بخوانند و رفتارهای خود را بخوانند، نمی توانند امر به معروف و نهی از منکر کنند. تدبیر یعنی کسی که می تواند پشت رفتارها را بخواند، آدم های با تدبیر یعنی کسانی که می توانند عواقب امور و رفتار را شناسایی کنند. در امر به معروف و نهی از منکر در عرصه اجتماعی گاه شما می بینید یک رهبر و جلودار، یک روحانی مسئول که آمر به معروف و ناهی از منکر مدبر می آید برای آینده الان امر و نهی می کند. شما این مطلب را کم از امام ندیدید. می فرمود: من این را به شما می گویم عمل کنید والا بعداً پشیمان می شوید. آنگاه که عمل نکردیم بعدها می فهمیدیم همان کار را باید می کردیم. امروز اگر من این حرف را می زنم برای هجده سال دیگر است. سربازان من آن موقع می آیند. در عرصه مسائل اجتماعی تدبیر یکی از مهمات خصوصیات شخص است برای امر به معروف و نهی از منکر. چرا که در بسیاری از موارد هست که ما امر به معروف و نهی از منکر را با تدبیر کشف می کنیم و باید امر کنیم در حالی

که جامعه یا فرد ممکن است الان متأثر از آن نشود و افرادی که تدبیر نداشته باشند می گویند: الان اثر ندارد. تکلیف هم ندارد. و حیطه عاملیت، اقتدار و ولایت کم و کمتر خواهد شد.

شرط بعدی: تشخیص اهم از مهم است.

اگر کسی در امر به معروف و نهی از منکر مجبور شود خودش گناه مرتکب شود جایز است؟

اگر برای حفظ جان کسی مجبور شویم به حریم خصوصی کسی تجاوز کنیم، یا اینکه فردی خدای ناکرده در حوض آب در حال خفه شدن است و ورود به حریم خصوصی افراد هم جایز نیست، شرعاً به خانه هایشان نمی توان رفت. بله نمی شود. همه فقها می گویند: اگر آن گناهی که فرد مرتکب می شود اهمیتش در نظر شرع از آن چیزی که تو داری عمل می کنی بیشتر است، باید آن را انجام دهی. لذا آنچه که به جان مردم و حیثیت مردم بر می گردد، یا به خود هویت دین و اسلام و جامعه بر می گردد. و به تعبیر امام اگر به حفظ نظام بر می گردد. نه نه نمی توان ترک امر به معروف و نهی از منکر کرد، باید آن را انجام داد. و اگر در قبال این مطلب جانی هم فدا شود، بشود. لذا برای حفظ نظام، انسان جاننش را فدا می کند. آقا امام حسین (ع) جان خودش، جان فرزندان خودش، خواهر خودش را به اسارت بردند، برای چه؟ چون می دانست امر به معروف و نهی از منکر را. امر به معروف و نهی از منکر یک حرکت سیاسی و یک راهبرد تشکیل حکومت هاست. آقا مولای ما امام حسین (ع) تبلور عرصه امر به معروف و نهی از منکر است و یا نمایش اقتدار و عاملیت در جامعه به منظور بر پایه نظام دینی است. لذا می گوید:

«انی ارید آن آمر بالمعروف»

من فقط یک کار می کنم امر به معروف. حال آنکه شما نگاه می کنید در عرصه کربلا تصادفاً آقا امر و نهی به کسی نکرد. با توجه به متون، هیچ وقت نگفت این کار را بکنید یا نکنید. سوال کرد یا توصیف کرد. با عمل خودش امر به معروف و نهی از منکر کرد. ولو جان خودش که امام معصوم است را فدا کرد. شد در عرصه امر به معروف و نهی از منکر 8 شرط است که باید رعایت شود. این می شود استراتژی بر پای کلمه الله در عرصه فرد و جامعه. یعنی نظام حکومت اسلامی حضرت امام (ره) فرمودند:

«چون امر به معروف نهی از منکر بر ما واجب است، انقلاب کردیم. و شاه را از قدرت پایین آوردیم این

نگاه به امر به معروف و نهی از منکر یعنی انقلاب.»

آنچه در جامعه ما فراموش شده است، امر به معروف و نهی از منکرهای فردی است. آن هم به طور خاص، افراد انجام می دهند. این همه مسئولین ما این همه سربازان دفاع از این انقلاب، جانشان، زحمتشان، آبرویشان را، مالشان را، فرزندانشان را خرج می کنند، این امر به معروف و نهی از منکر است. اصلاً تشکیل نظام دینی یعنی برپایی ساختار و دستگاهی برای امر به معروف و نهی از منکر است.

نمی شود امر و نهی کرد که آقا این کار را بکن یا آقا این کار را نکن. شما برو یک سیاست اقتصادی درست تدوین کن. شما شغل در جامعه ایجاد کن و جلوی هزاران دزدی و مفاسد را بگیر. شما اگر با سیاستهای راهبردی درست سن ازدواج را از 27 به 26 سال رساندی و یا 25 سال و میانگین سن را پایین آوردی چقدر مفاسد را در جامعه، جلویش را می گیری؟ و اگر شما با ایجاد یک سیاست یا برنامه ای و یا به هر حال تصمیماتی عرصه را بر ازدواج تنگ کردی به طوری که سن ازدواج از 24 سال به 27 سال که متأسفانه این اواخر زیادتر هم شده

است. مثلاً در طی 10-15 سال گذشته خوب این مفاسد جامعه را زیاد خواهد کرد. انواع امر به معروف یعنی بیا برو آن کاری را انجام بده که مفاسد کم شود. کسی مثال خوبی زد. می گفت: اگر کسی کنار گندابی باشد که در آن مرداب دائماً پشه تولید شود. اگر با یک پشه کش دستی دائم باید پشه های جدید را بکشی اما اگر گنداب را خشک کردی دیگر پشه ای تولید نمی شود. امر به معروف را دیدن برای اینکه، خانم حجابت را رعایت کن. آقا چشمت را حفظ کن. آقا دروغ نگو که البته اینها هم امر به معروف و نهی از منکر است ولی منحصر دیدن آن به معنای کشتن این

پشه هایست که در زندگی اجتماعی افراد و فرد وجود دارد. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر راهبرد زمینه سازی ظهور حضرت است. آماده سازی جامعه از ساختارها از برنامه ها از سیاست ها برای زمینه سازی آن کسی است که بیاید، آن هم تصادفاً همین کار را می کند. یعنی امر به معروف و نهی از منکر می کند.

اصولی بر امر به معروف حاکم است و جمع بندی چند اصل کوتاه:

اصل اول: بر اساس آموزه های امر به معروف و نهی از منکر امریت و حق عاملیت و مقاماتی که حتی عاملیت دارند در نظام دینی مبتنی بر شرایطش است. یعنی: 1) مبتنی بر آگاهی، 2) مبتنی بر شناخت جامعه، 3) شناخت شیوه ها. کسی که اینها را ندارد حق امریت ندارد. مرتبه بندی نظام، حاکمیت و ولایت در جامعه بر اساس آگاهی ها شکل می گیرد.

اصل دوم: اعمال امر به معروف و نهی از منکر از سیاست الاسهل فی الاسهل پیروی می کند. هیچ کس حق ندارد بر اساس امر به معروف و نهی از منکر از روش های خشن و تند برای اصلاح فرد و جامعه استفاده کند. مگر مجبور شود. لذا همه فقها می گویند. استفاده از رفتارهای تند آنگاه که می شود از رفتارهای لطیف و نرم استفاده کرد. شرعاً جایز نیست و این امر اختلافی نیست. الاسهل فی الاسهل این اصل را در رفتار فردی به کار بگیرید و در رفتارهای اجتماعی حکومت باید به نرمی با اشکالات و چالش های جامعه برخورد کند. چنان چه نشد، مرحله بعد. جالب است شما بدانید دستگاه قضایی و قوه قضاییه مرتبه سوم امر به معروف و نهی از منکر است. صاحب جواهری می فرماید:

«یکی از مهمترین شیوه های امر به معروف و نهی از منکر دستگاه قضایی ماست»

زندان های ما می شود امر به معروف و نهی از منکر. یعنی باید باشد. اجرای حدود برای از میان برداشتن منکرات است و برای برپا کردن اصل دوم.

اصل سوم: امریت از حیث محتوا به خیر است. هر نوع امریتی به نیت خیر، نه فقط مطاع نیست، خودش منکر محسوب می شود. اگر کسی در جامعه ای به جای امر به معروف چه آگاهانه چه ناآگاهانه امر به منکر است. می خواهد اصلاح کند، فساد ایجاد می کند. سیاست درست می خواهد اعمال کند، سیاست غلط را اعمال می کند. نتیجه او گسترش مفاسد می شود. نتیجه او بیکاری می شود. بالا رفتن بزهکاری جوانان می شود. فراموش شدن خدا می شود. سرگرم کردن مردم به کارهایی می شود که خدا را فراموش کنند و شما باز حق امریت را از او می ستانید و او را تبدیل به یک منکر می کنید و می گوید: بر همه واجب است او را نهی کنید آن هم الاسهل فی الاسهل. پس هم از حیث محتوی اصل معروف و منکر حاکم است. از حیث امریت و ولایت اصل آگاهی به معروف و منکر عامل طبقه بندی و اعمال ولایت می شود و اساساً این امر به معروف و نهی از منکر اساس حکومت الهی را تعیین می کند.

می‌کند. در نظام دینی آن فقیه‌ی که نسبت به دیگران و دیگر فقها در این شرایط مذکور بیشتر حائز شرایط باشد، حق آمریت پیدا می‌کند بر کل جامعه که به آن ولایت فقیه می‌گویند. حاکمیت ولایت فقیه در جامعه یعنی بر پایی اوامر و ایجاد کردن فرصتی برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر. ولایت فقیه دستوراتش شرعی است. یعنی امر او می‌شود امر به معروف و نهی او می‌شود نهی از منکر. بر همه واجب است امر به معروف و نهی از منکر کنند. در دانشگاه‌های ما یا غیر دانشگاه‌های ما آنگاه می‌توان از امر به معروف و نهی از منکر سخن گفت که عرصه‌های فردی و اجتماعی این دو فریضه مهم الهی مورد توجه قرار گیرد. هر گونه راهپیمایی هر گونه اقدام اجتماعی هر گونه جریان سازی فرهنگی و غیر فرهنگی، هر برنامه اقتصادی، می‌تواند در عرصه معروف و گسترش معروف ما را با امری از معروف بدل کند و یا احیاناً ناهی از منکر و خدای ناخواسته اشتباه در شناخت امر به معروف و نهی از منکر. عمل کردن غلط در امر و نهی می‌تواند ما را به یک فردی که معروف و منکر را نشناخته و وظیفه خود را انجام نمی‌دهیم بدل کند. امیدوارم خدا نعمت این حاکمیت و ولایت را که با بر پایی عرصه‌های اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر در جامعه بر پا شده است تا زمان ظهور حضرت حجت حفظ بفرماید. ما را در خدمتگزاری به مردم به اسلام و مسلمین بیش از پیش یاری بفرماید.

ملی شهروند مسئول